خبر

جرائم فضای مجازی در گلستان ۹۲ درصد افزایش یافت

CYBER POLICE
پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات ناجا

سرپرست پلیس فتای گلستان از افزایش ۹۲ درصدی جرائم فضای مجازی در گلستان خبر داد. به گزارش مهر، وحید صاحبکاران گفت: در ۱۰ ماه نخست سال ۹۵، جرائم مربوط به فضای مجازی افزایش ۹۲ درصدی داشته است. وی افزود: ۸۳ درصد از این جرائم به مراکز قضایی اعزام شدند و هشت درصد از شاکیان هم رضایت دادند. صاحبکاران با بیان اینکه ۸۴ درصد مجرمین فضای مجازی را مردان و ۱۶ درصد را بانوان تشکیل می‌دهند، اظهار کرد: ۲۱.۷۱ درصد از این جرائم مربوط به برداشت غیرمجاز، ۵.۵ درصد مربوط به کلاهبرداری و مابقی جرائم دیگر بوده است. سرپرست پلیس فتای استان گلستان گفت: طی ۱۰ ماه نخست سال جاری حدود ۱۸ هزار سی دی و ۳۰ هزار بروشور در زمینه کاهش و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی توزیع شده است. وی افزود: برگزاری ۳۰ هزار ساعت آموزش در مدارس و دستگاه‌های اجرایی، برگزاری ۱۵۰ کارگاه آموزشی در ادارات و مساجد، برگزاری ۱۸ روز دوره آموزشی، ۲۴۰ دقیقه برنامه رادیویی و ... بخشی از فعالیت‌هایی است ک در این زمینه برگزار شده است.صاحبکاران با بیان اینکه در راستای تقسیم کار استانی یک طرح ضربتی تحت عنوان پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در فضای مجازی را پیشنهاد کردیم، اظهار کرد: ۲۳ دستگاه همکار در این طرح مشخص‌شده و تاکنون چندین جلسه برای اجرایی کردن این طرح برگزار شده است.سرپرست پلیس فتای استان گلستان از آماده کردن طرحی ضربتی برای ایام پایان سال خبر داد و گفت: در این طرح تولید، تکثیر و توزیع لوح فشرده، نصب بنر، چاپ بروشور با محتوای پیشگیری از جرائم فضای مجازی در نظر گرفته‌شده تا در اختیار شهروندان و مسافران قرار گیرد.

سه‌راهی کلاله بعد از ۳۸ سال یک تقاطع غیرهمسطح ندارد

نماینده مردم شرق استان گلستان در مجلس شورای اسلامی گفت: در مسیر مینودشت گالیکش، سه‌راهی کلاله وجود دارد که بعد از ۳۸ سال هنوز یک تقاطع غیرهمسطح ندارد و هر روز شاهد تصادفات و مرگ و میر شهروندان و مسافران هستیم. به گزارش فارس، شهرام کوسه‌غراوی در جمع مدیران شهرستان کلاله بر لزوم نگاه متوازن استانی تاکید و اظهار کرد: ۱۸ میلیون زائر در مسیر حرم امام رضا (ع) از گلستان تردد می‌کنند. در مسیر مینودشت گالیکش، سه‌راهی کلاله وجود دارد که بعد از ۳۸ سال هنوز یک تقاطع غیرهمسطح ندارد و هر روز شاهد تصادفات و مرگ و میر شهروندان و مسافران هستیم. نماینده مردم کلاله، مینودشت، مراوه‌تپه و گالیکش در مجلس شورای اسلامی با تاکید بر اینکه باید نگاه ویژه‌ای به منطقه محروم و کمتر توسعه یافته شود، تصریح کرد: به غیر از سد نرماب پروژه ویژه‌ای وجود ندارد. وی گفت: گرچه تلاش‌های خوبی صورت گرفته اما انتظار است راه‌آهن گرگان – گنبدکاووس به آهن گرگان – کلاله تغییر پیدا کند در صورت این مسیر ریلی خودبه خود گنبدکاووس را نیز در برمی‌گیرد.

برگزاری نمایشگاه بهاره در گنبد کاووس

رئیس اداره صنعت، معدن و تجارت گنبدکاووس از برپایی نمایشگاه فروش بهاره عرضه مستقیم کالا و نیز اجرای طرح ویژه نظارت بر کالا و خدمات در اسفند امسال در این شهرستان خبر داد.خلیل رجبلی در گفت و گو با ایرنا، اظهار داشت: نمایشگاه فروش بهاره به مدت یک هفته در نیمه دوم اسفند امسال در گنبدکاووس برگزار می شود. وی گفت: این نمایشگاه با همکاری اتاق اصناف گنبدکاووس و با هدف عرضه مستقیم کالاها و نیازمندی های ایام نوروز شهروندان بویژه در زمینه لباس و پوشاک، آجیل و خشکبار، کیف و کفش، مواد لبنی و پروتئینی برگزار می شود. به گفته وی؛ دراین نمایشگاه که تولیدکنندگان گلستان و دیگر استان ها حضور خواهند داشت، کالاها و اجناس با ۱۰ تا ۲۰ درصد تخفیف به مردم عرضه می شود.وی همچنین از اجرای طرح ویژه نظارت بر کالا و خدمات خبر داد و گفت: در اجرای این طرح که از اول اسفند آغاز و تا پایان فروردین سال ۹۶ ادامه دارد.

قرص های گندم و برنج از شهرهای گلستان جمع آوری شد

مدیرکل امور اجتماعی و فرهنگی استانداری گلستان گفت: قرص‌های گندم و برنج به عنوان کالای غیر مجاز از شهرهای گلستان جمع آوری شد.به گزارش مهر، عبدالرضا چراغعلی در جلسه ستاد فرهنگی، اجتماعی مدیریت و ساماندهی آسیب‌های اجتماعی استان گلستان که در گرگان برگزار شد، گفت: نشست‌های متعددی با دستگاه‌های اجرایی در رابطه با کاهش آسیب‌های اجتماعی برگزارشده و ۴۵۹ مصوبه در فرمانداری‌های استان گلستان در این رابطه امضا شده است.وی از انعقاد تفاهم‌نامه‌ای بین وزارت کشور و دستگاه‌های مرتبط با بحث کاهش آسیب‌های اجتماعی خبر داد و افزود: ۲۵ درصد از اعتبارات آسیب‌های اجتماعی به دستگاه‌ها تخصیص داده‌شده و بقیه آن منوط به تأییدیه ما است تا به دستگاه واریز شود.چراغعلی اظهار کرد: قسمت عمده نظارت فعالیت‌های مرتبط با کاهش آسیب‌های اجتماعی بر عهده معاون اجتماعی بوده و فعالیت‌هایی از جمله تشکیل جلسه با هیئت‌های ورزشی، دعوت از نمایندگان تشکل‌های غیردولتی پیگیری موضوعات تبدیل محکومیت حبس تعدادی از محکومین، تنظیم قرارداد در راستای صیانت از حقوق شهروندی و ... از اقداماتی بوده که در معاونت اجتماعی انجام شده است. مدیرکل امور اجتماعی و فرهنگی استانداری گلستان اظهار کرد: شهرهای گمیشان، آق‌قلا، بندرگز، علی‌آباد کتول، گنبد و رامیان شهرهایی هستند که فرمانداری‌های آن‌ها همکاری خوبی در راستای کاهش آسیب‌های اجتماعی داشته است.وی تصریح کرد: یکی از این اقدامات جمع‌آوری قرص‌های گندم و برنج بوده که تحت عنوان کالای غیرمجاز وارداتی انجام شد.چراغعلی گفت: تمامی دستگاه‌ها موظف هستند فعالیت‌های خود در راستای کاهش و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی را مستندسازی کنند و نسخه‌ای از آن را به استانداری ارسال کنند تا در زمینه جذب اعتبار برای آن‌ها اقدام شود.

هدر رفت انرژی در ساختمان‌های گلستان

مصرف گاز خانگی گلستان بین ۱۰ تا ۱۵ درصد بیشتر از میانگین کشور است و کارشناسان معتقدند دلیل آن معماری بی‌ضابطه در استان به دلیل هدر رفت زیاد و همچنین نبود فرهنگ سازی در مصرف بهینه است. مطابق تحقیقات انجام‌شده و آمار منتشره هم‌اکنون سه درصد از سوخت‌های فسیلی جهان در ایران مصرف می‌شود درحالی‌که جمعیت ایران تنها یک درصد از جمعیت جهان است. به گفته کارشناسان مصرف سرانه انرژی هر ایرانی پنج برابر میانگین سرانه مصرف کشورهای درحال‌توسعه همچون ترکیه، هند و چین است. اما مطابق آخرین آمارهای اداره انرژی آمریکا که اواخر ۲۰۰۹ میلادی منتشرشده، ایران بالاترین میزان مصرف انرژی را به خود اختصاص داده و ما تقریباً ۱۷ برابر ژاپن، ۸.۵ برابر اروپا، ۲.۱ برابر چین و ۲۸ برابر کشورهای آسیای شرقی انرژی مصرف می‌کنیم.در شرایطی که میانگین مصرف انرژی کشور از متوسط جهانی بالاتر است به گفته مسئولان و کارشناسان، گلستانی‌ها حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد بیشتر از میانگین کشور انرژی مصرف می‌کنند. مدیرعامل شرکت گاز گلستان معتقد است مصرف بالای انرژی در گلستان رابطه مستقیم با سبک معماری بناها دارد. صفرعلی جمال لیوانی اظهار کرد: گلستان نزدیک به ۵۱۰ هزار مشترک دارد که حدود ۵۰۰ هزار مشترک خانگی و مابقی تجاری و صنعتی هستند.

مصرف گاز گلستان بیشتر از اردبیل

وی بابیان اینکه هم‌اکنون حدود سه درصد از گاز مصرفی گلستان به‌مصارف صنعتی اختصاص می‌یابد،افزود:درحال حاضر میانگین مصرف گاز مشترکان خانگی گلستان بیشتر از استان اردبیل است.مدیرعامل شرکت گاز گلستان با تأکید بر اینکه این مصرف بالا دلایل خاص خود را دارد، ادامه داد: ساختمان‌های اردبیل مطابق مناطق سردسیر ساخته‌شده‌اند اما سبک منازل گلستان مطابق شرایط آب و هوایی معتدل است و در سال‌های اخیر با اختلاف دمایی بالا در گلستان مواجه هستیم.وی اضافه کرد: در حال حاضر میانگین مصرف گاز گلستانی‌ها حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد بیشتر از میانگین کشوری است و اگر تنها یک درصد در مصرف گاز طبیعی بخش خانگی گلستان صرفه‌جویی شود در زمان برودت سی ان جی‌ها به سوخت دوم نمی‌رسند و می‌توانند از گاز طبیعی استفاده کنند.وی خاطرنشان کرد:به‌مشترکان توصیه‌می کنیم حداکثر صرفه‌جویی در مصرف گاز را داشته باشند و با استفاده از حداقل فضای ممکن در منزل و با پوشیدن لباس بیشتر به‌صرفه جویی در مصرف گاز کمک کنند.

هدر رفت بالای انرژی در ساختمان‌های گلستان

مدیرعامل شرکت گاز گلستان دلیل اصلی مصرف بالای گلستانی‌ها را در معماری و سبک بناهای استان و متأثر از تغییر شرایط اقلیمی می‌داند، موضوعی که یک دکترای معماری انرژی تنها بخشی از آن را تائید می‌کند و معتقد است دلیل اصلی مصرف بالای گاز در استان را باید در حلقه مفقوده هدر رفت انرژی در ساختمان‌ها جستجو کرد. محمد فرخزاد، عضو هیئت‌علمی گروه معماری دانشگاه جامع گلستان اظهار کرد: می‌توان دلیل اصلی مصرف بالای انرژی را در سبک معماری بناها در گلستان جستجو کرد اما این موضوع خیلی به تغییر اقلیم ارتباط ندارد. وی افزود: در بخش ساختمان سه قسمت اصلی شامل تأسیسات الکتریکی و مکانیکی و همچنین کالبد اصلی بنا باعث هدر رفت انرژی می‌شوند. این استاد دانشگاه ادامه داد: تأسیسات الکتریکی ساختمان‌های گلستان هم تا چند سال قبل باعث می‌شد ما جزو مشترکان پرمصرف برق در کشور باشیم اما با ورود لامپ‌های کم‌مصرف و دستگاه‌های الکتریکی که مصرف انرژی کمتری دارند تا حدودی زیادی مصرف برق در استان کاهش پیدا کرد. این دکترای معماری انرژی اضافه کرد: هم‌اکنون ساختمان‌های بزرگ دستگاه‌های خوب و به‌روز در تأسیسات مکانیکی (گرمایشی و سرمایشی) پیش‌بینی می‌کننداما‌اکثر خانه‌های‌مسکونی گلستان‌همچنان راندمان خوبی در این حوزه ندارند.

بی‌توجهی به مبحث ۱۹ مقررات ملی ساختمان

وی بابیان اینکه حدود ۶۰ درصد از انرژی بخاری‌های گازسوز و شومینه از طریق دودکش خارج می‌شود، متذکر شد: در کنار مباحث مطرح‌شده بی‌توجهی به مبحث ۱۹ مقررات ملی ساختمان ما را به مشترکان پرمصرف در گلستان تبدیل کرده است. فرخزاد با یادآوری اینکه از سال ۱۳۷۱ تاکنون سه بار مبحث ۱۹ که به‌صرفه جویی در مصرف انرژی اشاره دارد، تجدیدنظر و به‌روز شده است، تصریح کرد: این مبحث سال ۱۳۷۱ در مقررات ملی ساختمان نوشته شد و قرار گرفت و پس از ۱۰ سال تجدید شد و در سال ۱۳۸۹ دوباره بازنویسی شد.وی خاطرنشان کرد: در دولت‌های قبلی چند بار رعایت مبحث ۱۹ الزامی و اجباری شد اما نه نظام‌مهندسی و نه حتی شهرداری‌ها پیگیر اجرای آن هستند. وی بابیان اینکه بیشترین بخش مبحث ۱۹ مقررات‌ملی ساختمان‌متوجه‌معماری بناهاست، اضافه کرد: در این مبحث تأکید شده مصالحی که در جداره، سقف، کف، در و همچنین پنجره‌ها استفاده می‌شود باید از مصالح استاندارد بوده و انتقال حرارت آن حداقلی باشد. فرخزاد متذکر شد: اگر جنس مصالح ساختمان عوض شود بین ۳۰ تا ۵۰ درصد هدر رفت انرژی کاهش می‌کند اما مردم در برابر تغییر مقاومت می‌کنند و نگران درست انجام نشدن و تحمیل هزینه اضافه بر دوش خود هستند. این دکترای انرژی گفت: معمولاً استادکارها و بناهایی که در ساخت‌وساز فعالیت می‌کنند هم علاقه‌ای به استفاده از مصالح جدید ندارند و فکر می‌کنند کسب‌وکار آن‌ها کساد می‌شود.اما‌فراموش نکنید معمار، بنّا و مهندسین همیشه تابع کارفرما هستند و در چنین شرایطی معمار نمی‌تواند نظرات تخصصی و کارشناسی خود را تحمیل کند. فرخزاد یادآور شد: هم‌اکنون در شهرهای تهران و مشهد شهرداری اجرای مبحث ۱۹ را اجباری کرده‌اند. اگر مدیریت شهرهای ۱۰ تا ۱۲ میلیون نفری تهران و مشهد می‌توانند پس مدیریت شهری ۴۰۰ هزارنفری گرگان توانایی این کار را دارد به‌شرط اینکه هم مسئولان و هم قوانین، روابط و نظارت‌های ما، مردم را به این سمت حرکت دهند.هرچند فرخزاد بیش از هر چیز بر رعایت مبحث ۱۹ توسط مدیریت شهری و جلوگیری از اتلاف انرژی در بناها تأکید دارد و به رابطه مستقیم سبک معماری و هدر رفت انرژی در گلستان اشاره می‌کند.بااین حال برخی کارشناسان‌معتقدندسبک‌معماری و سبک زندگی انسان‌ها توأمان در میزان مصرف انرژی نقش دارند و ریشه هر دو مؤلفه را باید در مباحث فرهنگی مردم جستجو کرد.

تأکید بر نقش سبک زندگی در معماری گلستان

حسین کتولی، عضو هیئت‌علمی گروه معماری دانشگاه گلستان اظهار کرد: سبک زندگی و معماری دو مؤلفه جداناپذیری هستند که در میزان مصرف انرژی نقش دارند. وی از معماری به‌عنوان لباس دوم آدم‌ها در یک منطقه نام برد و گفت: لباس اول آدم‌ها که آن‌ها را از گرما و سرما حفظ می‌کند معرف جایگاه اجتماعی، سواد، شغل و همچنین بیانگر عقاید و افکار اوست و معماری لباس دوم آدم‌هاست که‌بر قالب‌فرهنگی می‌نشیند.این دکترای معماری افزود: معماری منطقه بیانگر نوع سبک زندگی آدم‌هاست و افکار، اولویت‌ها، باورها، تاریخ، اقلیم و جغرافیا و ... است که سبک زندگی و معماری را مشخص می‌کند. وی ادامه داد: فرهنگ آدم‌ها در شمال و شهر گرگان بسیار متفاوت است و اصولاً خصوصیت فرهنگی آن‌ها به‌گونه‌ای است که حاضر هستند برای خارج نشدن از وضعیت پایدار بیشترین هزینه را بپردازند. وی اضافه کرد: در فصل زمستان در بسیاری از نقاط جهان و استان‌های دیگر کشور مردم لباس‌های گرم و زمستانی می‌پوشند اما در استان گلستان اکثر مردم ترجیح می‌دهند با پوشش تابستانی در روزهای سرد زمستان در خانه خودراحت باشند. کتولی بابیان اینکه‌دلیل اصلی این موضوع فرهنگی است، تصریح کرد: اگر قبول کنید که‌ازنظر فرهنگی ما گلستانی‌ها دارای چنین خصوصیاتی هستیم و معماری لباس دوم ماست می‌توانیم به پاسخ این سؤال برسیم که چرا میزان مصرف انرژی در گلستان بیشتر از سایر استان‌هاست. وی خاطرنشان کرد: ۸۰ درصد از معماری سنتی گرگان به مباحث جغرافیایی (اقلیم، باد، خاک، رطوبت و ...) مربوط می‌شد و بستر طراحی در معماری قدیم گرگان چه در بافت و چه در تک بناها به‌گونه‌ای بود که انواع الگوها را می‌بینید که کاملاً و مشخص طوری تنظیم‌شده‌اند که حداقل بده و بستان حرارتی را ایجاد می‌کردند و حداکثر بازده را داشتند. این دکترای معماری بیان کرد: اما در حال حاضر تیپی از معماری در استان بناگذاری شده است که ساده‌ترین و درعین‌حال سودآورترین سبک معماری برای بسازوبفروش‌ها و مصرف‌کننده است. به گفته کتولی بعد از انقلاب مسکن مهر این تیپ از معماری (آپارتمان‌هایی که بیشتر شبیه قوطی کبریت هستند) بدون هیچ‌گونه تغییر به‌وفور در سراسر کشور و استان گلستان تکثیر شدند و حالا ناچار هستیم کمبودهای ساختمان را با انرژی بیرونی حل کنیم.

پوشاندن معایب کار معماران با انرژی

وی با تأکید بر اینکه انرژی معایب کار ما معمارها را می‌پوشاند، گفت: مردم، معماران، مدیریت شهری و سیاست‌های کلان کشور و همچنین قوانین، مقررات، آئین‌نامه‌ها، مجوزها و بخشنامه‌ها کاملاً ما را به سمت مصرف‌گرایی صرف سوق می‌دهد.وی بیان کرد: دلیل اصلی ائتلاف انرژی در گلستان تنها به معماری ارتباط ندارد بلکه بیش از هر چیز به مسائل فرهنگی و مجموع اتفاقاتی که باعث می‌شود یک ساختمان شکل بگیرد وابسته است. کتولی بابیان اینکه سال‌هاست در بسیاری از کشورهای جهان ساختمان باید دارای پیوست انرژی باشند، اظهار کرد: در کشور ما چنین دغدغه‌ای وجود ندارد و کمتر کار تحقیقاتی هم در این حوزه انجام می‌شود. وی متذکر شد: معمار هم یکی از آدم‌های همین جامعه است و در این بستر زندگی می‌کند هرچند که ما رسالت داریم به معمارانمان در حوزه دانشگاهی و نظام‌مهندسی آموزش دهیم که کار را به نحو احسن انجام دهند و خلاقیت داشته باشد که کارفرما را راضی کند.وی تأکید کرد: اما بپذیرید وقتی جو عمومی چیزی را طلب نکند و به این موضوع اهمیت ندهد نمی‌توان انتظار داشت طیف کوچکی مثل معمارها که در ساخت‌وسازها بسیار کمرنگ هستند به این مقوله توجه کافی داشته باشند.کتولی با تأکید بر اینکه بحث معماری، اقلیم و ساخت‌وساز بحث کاملاً جدی است، خاطرنشان کرد: نباید یک‌سویه به موضوع نگاه کرد، دلیل اصلی اتلاف انرژی در گلستان تنها به معماری ارتباط ندارد بلکه بیش از هر چیز به مسائل فرهنگی و مجموع اتفاقاتی که باعث می‌شود یک ساختمان شکل بگیرد وابسته است. فرهنگ‌سازی در خصوص سبک زندگی حلقه هدر رفت انرژی از ساختمان‌های گلستان است درحالی‌که نمی‌توان از معماری بی‌ضابطه در استان هم‌چشم پوشی کرد اما به نظر می‌رسد ورود مدیریت شهری به الزام در اجرای ماده ۱۹ مقررات ملی ساختمان می‌تواند ورود مؤثری به آغاز انقلاب در کاهش مصرف انرژی در استان باشد.

۸ درصد از بودجه آسیب های اجتماعی کشور به گلستان اختصاص یافت

استاندار گلستان گفت: سهم گلستان از بودجه آسیب های اجتماعی کشور هشت درصد است. به گزارش مهر، حسن صادقلو ظهر شنبه در جلسه ستاد فرهنگی، اجتماعی مدیریت و ساماندهی آسیب‌های اجتماعی استان گلستان که در گرگان برگزار شد، گفت: جلسه ستاد فرهنگی، اجتماعی مدیریت و ساماندهی آسیب‌های اجتماعی یکی از مهم‌ترین جلسات گلستان است.

صادقلو گفت: هشت درصد بودجه آسیب‌های اجتماعی کشور متعلق به استان گلستان بوده و با اقدامات موثر در حوزه کاهش آسیب‌های اجتماعی می‌توانیم این سهم را افزایش دهیم. استاندار گلستان رویکرد دشمن برای آسیب رساندن به جامعه اسلامی را مبارزه نرم عنوان کرد و افزود: این مبارزه در قالب افکار عمومی و جامعه بوده و اگر در این راه موفق شود انقلاب ما از درون تهی می‌شود. صادقلو اظهار کرد: آسیب‌های اجتماعی مسئله امنیت کشور است و باید با طراحی برنامه‌ای خوب و جذاب به مقابله با دشمنان در این زمینه برویم. وی تصریح کرد: سرعت، نوآوری، هم افزایی، گستردگی و جلب مشارکت مردمی شاخص‌هایی هستند که برای بررسی برنامه‌های فوق‌العاده آسیب‌های اجتماعی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و در حرکت نرم مورد نظر قرار می‌گیرد. استاندار گلستان گفت: مسائل اجتماعی تغییراتی در جامعه ایجاد می کند لذا ضرورت دارد نسبت به این تغییرات حساس بوده و آن ها را مورد بررسی قرار دهیم.صادقلو تصریح کرد: اگر در حوزه اجتماعی فعالیت کنید و متوجه تغییرات به وجود آمده نشوید، این تغییرات تبدیل به آسیب می‌شوند وخود را در قالب بحران نشان می‌دهند.وی اظهار کرد: ما در زمینه تأمین بودجه آسیب‌های اجتماعی مشکلی نداریم اما در زمینه تهیه برنامه برای رفع این مشکلات فقر برنامه داریم.استاندار گلستان با بیان اینکه برنامه‌های تدوین‌شده باید پیوست فرهنگی داشته باشد، گفت: باید تلاش کنیم فرهنگ‌سازی‌ها در راستای آموزه‌های انقلاب باشد. صادقلو مشارکت خیرین مردمی در زمینه آسیب‌های اجتماعی را موثر خواند و اظهار کرد: باید از حرکت موازی بین دستگاه‌ها در زمینه رفع آسیب‌های اجتماعی جلوگیری شود و هر دستگاه در زمینه تقویت عملکرد دستگاه دیگر قدم بر دارد.وی با بیان اینکه باید مدل ها و الگوهای موفق در زمینه کاهش آسیب‌های اجتماعی مدنظر قرار گیرد، افزود: باید این نمونه‌های موفق تحلیل و بررسی شود تا علت‌های موفقیت‌آمیز بودن‌شان مشخص شود و سایر مدل ها بر اساس آن‌ها تبیین شود.

لزوم اقدام همه دستگاه های گلستان برای کاهش آسیب های اجتماعی

معاون سیاسی و امنیتی استاندار گلستان گفت: همه دستگاه‌ها باید از ظرفیت بومی و محلی خود در راستای کاهش آسیب‌های اجتماعی استفاده کنند. علی‌اصغر طهماسبی گفت: پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی کاری فرا قوه‌ای بوده و تنها یک قوه نمی‌تواند از پس پیشگیری و مبارزه با آن بر بیاید به همین دلیل همه نهادها و دستگاه‌های اجرایی و ... باید در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی ورود کنند.معاون سیاسی و امنیتی استانداری گلستان اظهار کرد: طلاق، خودکشی، تکدی‌گری، اعتیاد و حاشیه‌نشینی پنج آسیب اجتماعی مهم در کشور معرفی‌شده و شرح وظایف دستگاه‌ها برای مقابله با این آسیب‌ها مشخص شده است.طهماسبی با تاکید بر لزوم پیشگیری از وقوع آسیب‌های اجتماعی گفت: آموزش و پرورش و پلیس فتای استان می‌توانند در زمینه کاهش جرائم آسیب‌های فضای مجازی همراه با آموزش‌های مناسب ورود پیدا کنند.وی افزود: باید از ظرفیت تشکل‌های مردم نهاد و نخبگان در زمینه کاهش و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی به‌بهترین نحو استفاده کنیم. معاون سیاسی و امنیتی استانداری گلستان با بیان اینکه دستگاه‌ها باید از ظرفیت بومی و محلی خود در کاهش آسیب‌های اجتماعی بهره ببرند، گفت: هر نهاد و دستگاهی در رابطه با پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی فعالیت‌های بیشتری انجام دهد سهم بیشتری از اعتبارات پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی دریافت می‌کند.طهماسبی افزود: طبق اطلاعات رسیده، ۴۱۰ هکتار سکونتگاه غیررسمی و حاشیه‌نشینی در استان داریم اما طبق یک راستی آزمایی به این نتیجه رسیده‌ایم که آمار واقعی فراتر از این عدد بوده و از فرمانداری‌ها درخواست می‌کنیم نسبت به ارائه آمار واقعی تلاش کنند.

مراقب ساخت و سازهای غیرمجاز هستیم

رئیس کل دادگستری گلستان گفت: ساخت و سازهای غیرمجاز و مناطق در معرض خطر تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی در استان گلستان رصد می‌شوند. به گزارش مهر به نقل از پایگاه اطلاع رسانی دادگستری کل گلستان، هادی هاشمیان در بررسی میدانی از ساخت و سازها در روستاهای توشن و زیارت گرگان اظهار کرد: هر چند ساخت و سازهای غیرمجاز و تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی در این مناطق کاهش محسوسی داشته اما همچنان مدیران دستگاه‌های اجرایی متولی باید این مناطق را رصد کنند. وی افزود: مدیرانی که در پیشگیری، گزارش تخلف، حفاظت و برخورد با متخلفان در اراضی ملی، منابع طبیعی، حریم رودخانه‌ها و زمین‌های کشاورزی کوتاهی می‌کنند باید منتظر برخورد قضایی باشند. هاشمیان با تاکید بر اینکه برخورد با دست‌اندازان به عرصه‌های ملی و طبیعی را فقط به مالکان بناهای غیرمجاز معطوف نمی‌کنیم، تصریح کرد: مدیران دستگاه‌های متولی باید در خصوص اینکه چرا اقدام قانونی علیه متخلفان انجام نداده‌اند یا دیر انجام داده‌اند پاسخگو باشند.وی با اشاره به کمک مردم به دستگاه قضایی در شناسایی و برخورد با متخلفان گفت: هر چند در این بخش مردم همراه دستگاه قضایی هستند اما اگر مسئولان مرتبط هم به موقع و درست دست به کار شوند تخلف در این بخش کاهش می‌یابد. رئیس کل دادگستری گلستان خاطرنشان کرد: قضات ما با وجود فشار کاری، رسیدگی به پرونده‌های این حوزه را تسریع کرده‌اند اما متاسفانه برخی دستگاه‌های متولی، تخلفات را یا گزارش نمی‌کنند یا دیر گزارش می‌کنند که همین امر هم هزینه برخورد با متخلفان را افزایش می‌دهد. وی ادامه داد: هر چند دستگاه‌های متولی در هر بخش باید تخلف‌های احتمالی را گزارش کنند اما ما هم در شورای حفظ بیت المال استان دادستان‌ها را مامور سرکشی کرده‌ایم تا به نظارت و بازرسی ساخت و سازهای غیرقانونی بپردازند.وی با تاکید بر این که دستگاه قضایی هر جا حیطه وظیفه و اختیاراتش بوده قاطع و سریع وارد عمل شده است، گفت: دادگستری یک تنه نمی‌تواند با متخلفان و دست اندازان به اراضی ملی، منابع طبیعی و کشاورزی برخورد کند و دستگاه‌های متولی باید در این بخش محکم پای کار بیایند.

خبر

افزایش ۱۹ درصدی توزیع کود شیمیایی در گلستان

مدیر شرکت خدمات حمایتی کشاورزی گلستان گفت: میزان توزیع کودهای شیمیایی در گلستان نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۱۹ درصد افزایش دارد.به گزارش خبرنگار مهر، صمد ضیائی ظهر یکشنبه در نشست خبری با اصحاب رسانه که در گرگان برگزار شد، گفت: شرکت خدمات حمایتی کشاورزی یکی از شرکت‌های زیرمجموعه وزارت جهاد کشاورزی است و تهیه و تأمین، تولید و توزیع کود و بذور را بر عهده دارد.وی افزود: شرکت خدمات حمایتی یک شرکت صددرصد دولتی بوده و در روزهای آتی وارد بورس می شود. ضیائی گفت: از ابتدای سال جاری تاکنون حدود ۱۲۵ هزار تن کود شیمیایی توسط شرکت خدمات حمایتی کشاورزی گلستان توزیع‌شده که این رقم نسبت به مدت مشابه سال گذشته از ۱۹ درصد رشد برخوردار است.مدیر شرکت خدمات حمایتی کشاورزی گلستان اظهار کرد: برنامه‌ای که برای توزیع کود شیمیایی از سوی وزارت جهاد کشاورزی در اختیار ما گذاشته‌شده ۱۳۸ هزار تن است اما طبق برنامه‌ریزی خود شرکت خدمات حمایتی گلستان تصمیم داریم به ۱۵۰ هزار تن توزیع کود در سال جاری برسیم.وی در رابطه با انواع کودهای توزیع‌شده بین کشاورزان در سال ۹۵ گفت: ۸۱ هزار و ۴۹۴ تن کودهای ازت، ۱۲ هزار و ۸۴۵ تن کودهای پتاسه و ۳۰ هزار و ۶۶۱ تن کود فسفاته بین کشاورزان توزیع و مصرف شده است.ضیائی با بیان اینکه نیاز غذایی محصولات در گلستان طبق اعلام موسسه تحقیقات آب و خاک ازت، فسفات و پتاسه معرفی شده است، گفت: باید در میزان مصرف کودهای شیمیایی به‌مصرف ۳۰۰هزارتن‌برسیم تانتیجه‌مطلوب‌حاصل‌شود.کشورهای‌استرالیا، آلمان و لهستان و کانادا وارد استان گلستان شده است و علاوه بر بذر خود استان، بذر استان‌های سمنان، مازندران، کرمانشاه، اردبیل و ... را هم بین کشاورزان گلستانی توزیع کرده‌ایم.

پیکر پاک شهید اصفهانکلاته دوشنبه تشییع می‌شود

آئین تشییع پیکر پاک شهید عباسعلی اصفهانکلاته دوشنبه در شهرستان گرگان برگزار می‌شود.به گزارش خبرنگار مهر به نقل از روابط عمومی سپاه نینوا گلستان، زمان مراسم استقبال، تشییع و بزرگداشت شهید عباسعلی اصفهانکلاته‌مشخص شد.معاون‌روابط‌عمومی و تبلیغات سپاه‌نینوا استان گلستان گفت:مراسم استقبال از این شهید بزرگوار یکشنبه ۲۴ بهمن ماه راس ساعت ۱۳ در میدان بسیج گرگان و مراسم وداع با این شهید والا مقام در همین روز همراه با نماز مغرب و عشاء در مسجد امام صادق(ع) واقع در کوی انقلاب برگزار می‌شود. علی خالقی افزود: مراسم تشییع پیکر پاسدار شهید امنیت پایدار مرزهای جمهوری اسلامی ایران دوشنبه ۲۵ بهمن راس ساعت ۹ صبح از محل معراج شهدای گرگان (بهداری سپاه) به سمت گلزار شهدای امام زاده عبدالله گرگان و مراسم تدفین در همین روز در روستای میرمحله برگزار می‌شود.وی تصریح کرد: مراسم سومین روز شهادت این شهید والا مقام هم سه شنبه ۲۶ بهمن راس ساعت ۹ صبح در مسجد جامع روستای میرمحله برگزار خواهد شد.لازم به ذکر است؛پاسدار عباسعلی اصفهانکلاته از پاسداران غیور گروه ۴۵ مهندسی رزمی جواد الائمه (ع) سپاه در راستای تامین امنیت پایدار مرزهای جمهوری اسلامی ایران در مقابله با اشرار مسلح در منطقه مرزی سراوان در استان سیستان و بلوچستان به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

افزایش ساعات کاری مراکز معاینه فنی شهر گرگان

ساعات کاری معاینه فنی به مدت یکماه افزایش یافت.با تصمیم ستاد معاینه فنی شهرداری گرگان ساعات کاری ایستگاههای معاینه فنی از ۲۳بهمن به مدت یکماه افزایش یافت.به گزارش مرکز ارتباطات و اطلاعات روابط عمومی شهرداری گرگان علیرضا حاج محمدی رئیس ستاد معاینه فنی شهرداری گرگان با اعلام این خبر اظهار داشت: با توجه به سفرهای نوروزی و افزایش مراجعه رانندگان برای انجام معاینه فنی، ساعت فعالیت ایستگاهها از ۸ صبح تا ساعت ۹ شب افزایش یافت.وی گفت: در همین رابطه رانندگانی که در مدت تعیین شده برای معاینه فنی خودروهای خود مراجعه می کنند از تخفیف ۲ هزارتومان برخوردار خواهند شد.

نسخه اینترنتی
روزنامه گلشن‌مهر
www.golshanemehr.ir

علی حاتمی را دوست نداری ولی کلاهت را بردار

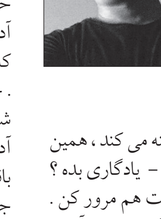

کیومرث سلیمانیان‌مقدم

یادگاری . اولین کلمه ای که بعد از شنیدن اسم ((علی حاتمی)) به ذهنم رخنه می کند ، همین است . او یادگار چیزی بود و آثارش هم یادگاری همان چیز و چیزهاست . - یادگاری بده ؟ نویسنده ! این رو مدام در ذهنت مرور کن . پشت هم ، پشت هم ، هی پشت هم مرور کن . یادگاری خوبه یا بد ؟ این را متن از من پرسید شاید (چه متن سرکشی ؟!) حاتمی ، آنقدر یکه و بی تکرار ، خودش را بازتولید کرد و کرد ، تا به ((تالیف)) تبدیل شد . تا شد ((مولف)) . جالب است . خوب دقت کنید . در میان همانهایی که موج نوی سینمای ایرانی بودند در دهه ی چهل (کیمیایی ، مهرجویی ، تقوایی ، حاتمی ، ...) بازهم همین حاتمی و البته قبل ترش ، کیمیایی ، بودند و هستند ، که به شدت مولف شناخته می شوند . تکرار کنم که این خصیصه تالیفی ، خوب و بد نیست . اینطور نگاه کنیم ، که فقط هست . و جالب اینکه این زبان تالیفی ، مهمترین نشانه اش ، آدمهای فیلمهای این دو فیلم سازند و شکل بیان و حرف زدنهایشان . که به شدت ، خاص اند . و انگار کس دیگری ، نه خواسته ، نه توانسته ، که مثل این دو باشد . حالا که در مورد حاتمی صحبت می کنیم ، این ناخواسته گی در کلاممان به وجود می آید که از آدمهایش نگذریم و آنها را درشت کنیم . که یعنی خود حاتمی هم همان طور بوده ؟ همان طور که این را متن به من می گوید . نه بد نیست . نمی دانم . شاید خوب هم نیست . خصیصه است . خصیصه ای که آن را قابل تکثیر می کرده ؟ یا نمی کرده ؟ تنها همان زبان و زمان آدمها را می شناخته ؟ مهم نیست . مهم این است که چرا برای او ارجحیت موضوعی فقط در این شکل از آدمها و بیانشان وجود دارد ؟ شاید داستان حاتمی و هم نسلهایش که در یک طبقه و زبان و بیان باقی ماندند ، همان ((نیست در شهر نگاری که دل ما ببرد)) باشد . نگار ((علی حاتمی)) انگار جایی در میان تاریخ و آدمهایش گم شد . جایی که او خودش هم دیگر قادر به تکرارش نبود و داشت مستقیم و بی واسطه سراغ همان آدمها با تعریف دقیقشان می رفت . آدمهایی که دیگر باید ما به ازای بیرونی و تاریخیشان حتما وجود می داشت . مثلا : همان ساختن سریال تختی که چه سرانجام زیبایی برایش نوشت و ساخت بهروز افخمی . جایی محمد قائد در مورد سینمای حاتمی گفته (البته فکر کنم دارم نقل به مضمون می کنم) که : آدمهای فیلمهایش انگاری در سمساری نشسته اند و با خط نستعلیق با هم حرف می زنند . قبول که این حرف محمد قائد کمی مطایبه دارد و موقعیت ، موقعیتی پارودیک است . ولی این هم می تواند ، تعریف به مثابه تمجید هم باشد . تعریفی و نقد تندی که خواه نا خواه ، جبر برداشتن کلاه را از سر ، برای سوژه کلام ، اجبار می کند . مثل همان تمجیدی که برای من (هرچند کوچکترنم و کمترین) خنده دار است که : حاتمی ، سعدی سینمای ایران بود . (حاتمی ؟ سعدی ؟)

نمی شود که به حاتمی احترام نگذاشت . او دارای شیخوخیتی در بیان سینمایی اش شده بود ، که در طی سالها تمرین و ممارست و استخوان خورد کردن به دست آمده بود . و اگر آنارشیست نیستی و ادعایش را هم نداری ، کلاه از سر برنداری ، خودت را ضایع کردی و چه بخواهی چه نه ، حاتمی درشت بود و ماند . حالا اینکه از کارهایش خوشت بیاید یا نه و اصلا با علی حاتمی حال می کنی یا نه ، این خودش قصه دیگری است . هر وقت این فکر از سرم می گذرد ، یاد نگاه شعبان در آن سکانس هزاردستانش می افتم ، که مفتش را خیره خیره نگاه می کرد . وقتی دستگیر می شد . که سرش رفت روی سینه . یاد دست و پا زدنهای مفتش می افتم . که شعبان سرش را برید . یادتان هست ؟

تداوم بهمن بدون فروغ

فروپاشی اسطورهٔ فروغ

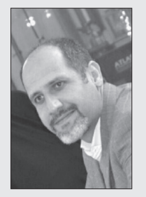

محمدرضامرادی طادی- نقل است که هایدگر در آغاز درس گفتارهایش دربارهٔ ارسطو، زندگینامهٔ او و اهمیّتش در تاریخ فلسفه،عموما،و فلسفهٔ ارسطویی،خصوصاً،را به این چند کلمه فروکاسته بود:«ارسطو به دنیا آمد،زندگی کرد و مُرد».در مقابل این نگاه به شدت تقلیل گرا که به صِرف متن توجه دارد و چگونگی حیات و زیستِ مولف و اندیشمندَ را در ساختار اندیشه و فلسفه اش ذی مدخل نَمی داند،رویکردهای دقیقاً متضادی نیز وجود دارند که فهم اندیشهٔ متفکر را بدون آشنایی و شناختی از زندگی‌اش غیر ممکن می دانند.ولی اگر شاید بتوان اندیشه یا فلسفهٔ اندیشمندی را،یا علم دانشمندی را،بدون مراجعه به زندگی‌اش و اطلاعات زندگینامه‌ایش درک کرد،می توان گفت که در مقولهٔ هنر نیز این گونه است؟

فرزانه میلانی، پژوهشگر و استاد ادبیات فارسی و مطالعات زنان در دانشگاه ویرجینیا که چند دهه بر زندگی و آثار فروغ تحقیق و پژوهش کرده است به تازگی کتاب با عنوان«فروغ فرخزاد،زندگینامهٔ ادبی همراه با نامه‌هایی چاپ نشده» منتشر کرده است که نه تنها به زندگی فروغ پرداخته بلکه زوایایی از حریم خصوصی او را نیز کاویده است. کتاب جدید خانم میلانی(مترجم بخشی از اشعار فروغ به انگلیسی) که قبلاً هم بر زندگی و آثار سیمین بهبهانی و طاهره قرة العین دو شاعر پیشرو زن ایرانی تحقیق کرده،زندگینامهٔ ادبی فروغ به همراه ۱۵ نامه منتشر نشده به ابراهیم گلستان، ۹ نامه به پدرش، شش نامهٔ دیگر به افراد دیگر و چند کارت پستال است.در این میان نکتهٔ جدید کتاب انتشار نامه‌هایی است که فروغ خصوصی و عاشقانه با برهنه ترین احساسات زنانه برای ابراهیم گلستان،فیلم ساز و نویسندهٔ ستیهنده و عصیان گر ایرانی،نوشته است.ابراهیم گلستان خود اعتراف کرده که این نامه ها را در اختیار خانم میلانی گذاشته است،کاری که چندان مایهٔ خشنودی خانوادهٔ فروغ نشده و آنها این اقدام را تجاوز به حریم خصوصی هنرمندی از دست شده دانسته اند. سوای از درست یا غلط بودن اخلاقی چنین کاری،انتشار این نامه‌ها ابعاد پنهانی از شخصیت فروغ را به نمایش گذاشته است.شاعر«عصیان» که در اشعارش می کوشید تا فاعلیّت زن ایرانی در فراسوی مرزهای جامعه‌ای مردسالار را به نمایش بگذارد،اکنون خود را اسیر همان مرد ایرانی با ادبیاتِ ضعیف سالار زنانه نشان می دهد.فروغ در اشعارش به دنبال آنَ بود تا زن را به مقام فاعلی مختار و آزاد بر بکشد؛زنی که می تواند بسان پرومته‌ای مونث بر تمام حصارها و مَحدودیت ها شورش کند.زنی که قبل از هر چیزی انسان است و این اختیار – و شاید حق – را دارد تا از مرزِ تابوهای اخلاقی جامعه عبور کند.فروغ در شعر مشهور «گناه» از مجموعهٔ « دیوار» می گوید:

گنه کردم گناهی پر ز لذت
در آغوشی که گرم و آتشین بود
گنه کردم میان بازوانی
که داغ و کینه جوی و آهنین بود

جامعهٔ ایران که بعد از تحولات پیش و پس از مشروطه از فاز سنّت عبور کرده بود و نا رسیده به مرحلهٔ مدرنِ خود در برزخ گذار معلّق شده بود،این تعلیق و آونگانی را در تمامِی اجزای خود تجربه می کرد و در حوزهٔ زن نیز برای تجلّی این تجربه تریبونی می جست که بهترین بیان را در شعر شورش گر فروغ یافت:

در لا به لای گردن و موهایم
گردش کند نسیم نفس هایش
نوشد، بنوشدم که بپیوندم
با رودِ تلخ خویش به دریایش
وحشی و داغ و پرعطش و سوزان
چون شعله های سرکش بازیگر
در گیردم، به همهمه درگیرد
خاکسترم بماند در بستر

فروغ می خواست تا از تمامی « نه » های جهانش بگذرد و بگریزد، لذا با تمام وجود شکستن مرزها را تجربه می کرد.جامعهٔ او نیز که در تعلیق میان سنت و مدرن در فاز گذار وامانده بود تشنهٔ این «عصیان» ها،یک به یک «دیوار»ها را فرو می ریخت.بنابراین احساس زنانه و سکسانه در بیان فروغ در یکدیگر می آمیخت و این گونه موج می زد:

کارون چو گیسوانِ پریشانِ دختری
بر شانه های لخت زمین تاب می خورد
خورشید رفته است و نفسهای داغ شب
بر سینه های پر تپش آب می خورد.

فروغ این بُنمایه‌های احساسی و غریزی را با عمیق ترین مفاهیم حیاتی که پیش روی هر انسانی گشوده است گره می زند:

معشوق من
با آن تن برهنهٔ بی شرم/ بر ساقهای نیرومندش
چون مرگ ایستاد/ خط های بی قرار مورب
اندامهای عاصی او را/ در طرح استوارش/ دنبال/ می کنند

بدینسان فروغ اسطورهٔ نسل عصیان می شود.نسلی که می خواهد تمام تمنای بودن را در احساس و واژه جستجو کند.امّا نا گاه با انتشار نامه‌های خصوصی فروغ مخاطب شیفتهٔ دیروز با چهره ای بالکل دگرگون روبرو می شود.زنی ضعیف و مطیع که اگرچه از همان احساس های بی باک زنانه لبریز است امّا در مقابل مرد پُر قدرت رویاهایش همان «ضعیفهٔ سنت» باقی مانده است.فروغ در یکی از این نامه های خصوصی با بیانی شکست و فرودست در خطاب به مَردش می گوید:

«شاهی جانم، باید برای‌ام دعا کنی. قربان لب های عزیزت بروم. قربان چشم های عزیزت بروم. قربان بند کفش هایت بروم. چه دوستت دارم، چه دوستت دارم، چه دوستت دارم....».

این خط ضعف و فرودستی معشوقه به پیشگاه مردِ قدرتمندِ فرادست در دیگر نامه ها نیز ادامه پیدا می کند و خواننده از تضادّ برون و درون فروغ در شگفت می شود که چگونه آن شاعرهٔ عصیان اکنون چنین نرم و خاموش به پای مَرد گریه می کند،تمام آن شعارهای روشنفکرانه که در لا به لای متن های شاعرانه تنیده شده بود،« دود می شود و به هوا می رود »،بالواقع فمینیسم فروغی « هتک حرمت » می شود:

«قربانت بروم، قربان سراپای وجودت، قربان موهای سفید پشت گردنت بروم، قربان مردمک های بی قرار چشمهایت بروم، قربان غم و شادیت بروم، تو چه هستی که جز با تو آرام نمی گیرم، حتی جای پایی از تو در خاک برای من کافی است، کافی است که بتوانم اعتماد کنم، بتوانم بایستم، بتوانم باشم، کافی است که صدایم کنی، بگویی فروغ!و من به دنیا بیایم و درخت‌ها و آفتاب و گنجشک‌ها با من به دنیا بیایند. دوستت دارم و دلم تاب تحمل این همه عشق را ندارد. دلم از سینه ام بزرگتر می شود.دلم مرا به بی قراری می کشاند».بی شک این نامه ها ابعاد جدیدی را بر روی خوانش اشعار فروغ می گشاید. با فهم بخشی از منِ پنهان فروغ اکنون می توان دربارهٔ بازنمایی هایی که در اشعارش صورتَ گرفته بیشتر و بهتر از قبل سخن گفت.امّا در این میان آن چه که بیش از بقیهٔ موارد خودنمایی می کند – که البته برای حواریون او بسی آزار دهنده است – فروپاشی اسطوره‌ای است که برای حداقل یک نسل نُماد عصیان علیه جامعه‌ای مردسالار بود.فروغ نیز در پستوی جانش به همان تصویر ضعیف زنانه پایبند مانده است.

ادبیات و بازشناسی نشانه هایی به پیوند

محمد مهدی پور

غرض از ادبیات، تلاش و مبارزه است، تلاش و مبارزه در جهت نیل به آگاهی، حقیقت و آزادی (نقل به مضمون از سارتر) ادبیات آیینه ی تمام نمای یک ملت است، گویاتر از تاریخ است، ادبیات عصاره ی حیات یک دوره را در خود دارد و از این دست تعاریف در توصیف ادبیات آنقدر بسیار است ،که می تواند همین حدود ۲۰۰۰ کلمه ای که قرار است من برای شما بنویسم را پر کند. ولی به راستی چرا ادبیات؟

شاید چون طیف وسیعی از انسان ها را مخاطب قرار می دهد، شاید چون سرشار از عاطفه و تخیل است، شاید چون نشانه های به رهایی در هر عصر ابتدا در ادبیات ورود می کندوشاید چون از کودکی تا مرگ تمام زندگی انسان در سیطره ی اوست.

انسانی که از همان کودکی روز را به انتظار قصه ای شب می کند، و این خلسه ی ادبیات تا وقت مرگ او را رها نمی کند، وقتی که حتی مذهب و فلسفه هم برای بیان و نفوذ در آدمی دست به دامان ادبیات می شوند، تازه می فهمیم که این دایره چقدر وسیع و خورنده است.

این ها مدخلی بود برای بحثی که در تیتر یادداشت از آن به پیوند یاد کردم، پیوند بین انسانی از این گوشه به آن گوشه و از این زبان به آن زبان. چگونه ادبیات باعث پیوند می شود؟ این سوالی ست که در ابتدا بدیهی می نمایاند و وقتی دست به توصیفش زدید تازه می فهمید که به توضیح امر ساده چقدر پیچیده می شود. شاید ابتدایی ترین نمود ادبیات در پیوند بین انسان ها، ایجاد آگاهی نسبت به احساسات، تفکرات و رویاهای مردمانی است؛ مردمانی که شاید– و دربیشتر مواقع حتما– به گونه ای دیگر در ذهن ما پرورده شده اند و این شناخت ناقص و در هاله ای از ابهام، گاه به عداوت های موجود راه می برد؛ عداوت هایی که شاید بیش از آنکه ریشه در مردم یک سرزمین داشته باشد، ریشه در عمل و کردار دروغین دولت ها دارد، دولت هایی به ظاهر ملی و به ظاهر برای تمام مردمانشان، اما فی الواقع وقتی ما از یک دولت ملی حرف می زنیم، از احساسات ملی حرف می زنیم خود را در مقابل دیگرانی می نهیم که خارج از این مرزها قرار دارند. شاید حال این مسئله پیش بیاید که چرا دولت ها مردمانشانرا به سمت و سوهایی دروغ می برند و کینه و تصویری نادرست از مردمانی دیگر به تصویر می کشند؟ شاید یکی از واضح ترین دلیل هایی که می توان برشمرد، همسو کردن مردم با تفکرات سیستم حاکم در جهت مقاصد خاصی چون فشار بر دولت های مورد نظر و تقویت جایگاه ملی حاکم از طریق تقویت تفکرات ملی گرایانه، از طریق تضعیف احساسات در جوامع اقلیت باشد. جایگاه ادبیات راستین در این جا اهمیت خود را باز می یابد که به مثابه امری روشنگر در پیوند ملت ها در سطح جهانی، در مقیاس سرزمینی در جایگاه پیوند بین اقوام یک سرزمین عمل می کند و با توصیف جهان مردمانی آنچنان به ظاهر دور، خط ها و پیوندها را با توصیف آرزوهای یک گروه از مردمان تشریح می کند. پیوند و نزدیکی که در ادبیات فولکلور اقوام بسیار بارز است و می توانند به پیدا کردن خط و ربط هایی از سرشتی نزدیک بین دو همسایه که گاه به دو زبان متفاوت صحبت می کنند، کمک شایانی بکند. اهل ادبیات از طریق کشیدن رویاهای مردمان مختلف به زندگی های دیگر در مرزهایی دیگر و پیوند آن با رویاهای قوم خود به گونه ای در جهت بستر سازی برای پیوندی انسانی در جهت برقراری عدالت و دوری از کینه قدم بر می دارند. مقوله ی شعر به عنوان سطح والای ادبیات همیشه به عنوان عامل اصلی این پیوند عمل کرده است چرا که شاعران آزاده تمام سرزمین ها به نوعی بر پیوندی نامرئی بین خود و دیگر شاعران تاکید می کنند و بر خلاف سایر هنرها بیشتر ادبیات برایشان مفصل است تا افتراق؛ این مسئله در قالب شعرهایی که رد پای شاعران دیگر به صورتی آشکار در آن ها دیده می شود و گاه حتی نام آن شاعر بر پیشانی نوشت شعر خودنمایی می کند به نوعی پیوند دادن آن شاعر با سرزمین خالق شعر است. شاعر با ارتباط ذهنی و کلامی خود با دیگر شاعران و ایجاد یک دیالوگ با آن ها به گونه ای پای آن شاعر دیگر را به مقوله ی پیوند زبان ها و فرهنگ ها باز می کند و آن شاعر به بخشی از فرهنگ قوم میزبان پیوند می خورد، این پیوند بین دو شاعر به عنوان جان های زنده و بیدار مردمانی که گاه خفتگی بر آن ها تحمیل شده حاکی از بی تابی جان های بسیاری است که فارغ از دروغ های جاری بهم گره خورده اند، چرا که انسان در ذات خود موجودی ست اجتماعی و این موجود به اجتماعی که برساخته ای انسانی داشته باشد همیشه با دیده ای شعف می نگرد و زمانی که پای شخصی از جامعه ای دیگر را به سرزمین زبانی خود باز کنیم و مخاطب را در دیالوگ خود با او شریک کنیم به گونه ای عمل کرده ایم که مردمان آن سرزمین و فرهنگ آن ها را در کنار مخاطبمان قرار داده ایم، وقتی شیرکو بیکس شاعر پرآوازه ی کورد شعرش را به اسماعیل بیشکچی تقدیم می کند، حقوق دان ترک زبانی که در جامعه ای که وجوه پانترکیسم بر آن تحمیل شده از حقوق کوردهای حرف می زند که حتی اجازه ی تکلم به زبان مادری خود را ندارند، به نوعی بر تفاوت وجوه تفکر بین حکومت، با روشنفکران و احاد ملت تاکید می کند، این تقدیر از جانب یک شاعر به بازشناسی پیوندهای انسانی می رسد پیوندهایی فراموش شده در جهت از بین بردن تفکر تقابلی از طرف جامعه ی کوردها نسبت به ترک زبانان است.البته این به معنای آن نیست که مولف متن ادبی– اگر مولف را در اینجا شخصی روشنفکر و خارج از قائده های تحمیلی جامعه و حکومت در نظر بگیریم– در هر ژانر ادبی به عنوان صلح طلب یا سازنده ی وفاق عمومی شناخته شود، به تعبیر ادوارد سعید او کسی است که: «همه ی هستی اش به یک تشخیص و تمیز انتقادی موکول است؛ تشخیص و تمیزی که حاضر به قبول فرمول های ساده، عبارت های پیش پا افتاده یا یکنواخت و در واقع همنوایی با آن چیزی نیست که قدرت یا سنت باید بگوید و بشنود»، بلکه این مسئله به عنوان وجوه خارجی اثر تولیدی او عمل می کند و در واقع چنین تولید کننده ی متن ادبی به جایگاهی می رسد که به عنوان پالاینده ای به تولید متنی که خارج از روابطی از پیش برقرار دست می زند، از طریق متن خود مخاطبانش را به پالایش تفکراتی دیکته شده از جانب عوامل قدرت حاکم فرا می خواند، و با روشن کردن نشانه های این پیوندها به نوعی در جهت خنثی سازی تفکر تفرقه انگیز موجود عمل می کند، تفکر تفرقه انگیزی که از طریق لطیفه ها و ضرب المثل های سخیف و خالی از عرف انسانی که پیرامون اقوام گوناگون درون یک سرزمین رواج پیدا می کند خود را نشان می دهد، لطیفه هایی که منبع انتشار آن در بیشتر موارد حکومت و یا قومی برتر است که جز با هدف حفظ این برتری در جهت ترویج این قسم تفکرات قدم بر نمی دارد، گاهی این مسائل چنان باعث دور شدگی اقوام یک سرزمین می شود که در نگاه اول تقابل موجود و عدم امتزاج را در بین این اقوام به وضوح می توان مشاهده کرد، تقابلی که به نوعی تنهایی می رسد و این تنهایی راه را برای ورود تفکرات متعصب قومی از طریق گروه های ترویج کننده آن باز می کند. ادبیات تاثیرگذار ترین کلام و در عین حال می تواند به سلاحی مخرب تبدیل شود، ادبیات وقتی به عامل جدایی تبدیل می شود که بخواهد بر برتری گروهی بر گروه دیگر آن هم نه از طریقی مستقیم بلکه از طریقی غیر مستقیم و ناملموس تاکید کند. داستانی که شخصیت های آن بر اساس تفکر رایج و غلط جامعه در مورد گروه های قومی حائز ویژگی هایی هستند که همانطور که پیشتر عنوان کردم در برگزیرنده ی تفکرات حاکم در جهت بایکوت یک فرهنگ باشند و در واقع لطایف رایج پیرامون یک قوم از طریق تعمیم یک شخصیت به قومیتی خاص به ویژگی بارز آن تبدیل شود؛ حال اگر شخص نویسنده به صورت آگاهانه در جهت تعدیل آن نگاه برآید و این تفکرات را بدون چسپاندنبرچسبی خاص به جلو ببرد، و حتی آن ها را به هم بریزد آنجا می شود با ناخودآگاه مخاطب بازی کرد، شاید در نگاه اول با نوعی مقاومت که ساخته ی چهارچوب های مسلط جامعه است مواجه شوند ولی به مرور با تعدیل تفکرمواجه خواهند شد. شخص مولف در متن ادبی خود باید چهارچوب های ذهنی قومی و ملی را پشت سر نهاده و به تفکری انسانی و جهانی فکر کند، و متنی تولید کند که دغدغه های تمام گروه های قومی لبریز باشد. تاکید بر وجوه افتراق در اقلیت های قومی، مذهبی و در هر نوع دیگر شخص مولف را با خطر تبدیل به هر آنچه که خود منتقد آن است روبه رو می کند، چرا که به عینه می توان مشاهده کرد که تمام اقوام مسلط روزی با تکیه بر تفکرات همسان بین خود و سایر اقلیت هایی که وجوه مشترکی با آن ها داشتند در جهت مقابله و تظالم خواهی با تفکر قالبی که آن ها را به محاق برده بود، در جهت پیروزی و آزادی قدم برداشتند و به محض آزادی خود همان راهی را رفتند که روزی به آن نقد داشتند و همان اقلیت های درون جامعه ی مادر که حال به تسلط رسیده است در جهت تاکید بر آن وجوهی که موجب افتراق است قدم بر می دارند و به راستی این زنجیره ی بی پایان را انتهایی نیست تا جایی که در این جامعه به شهرهایی با فرهنگی که خود را متمایز از شهر کناری می داند روبه رو می شویم. مراد از این بحث اخیر این بود که افتراق خاصه ی اقوام و سرزمین های مختلف نیست بلکه قابلیت تسری به کوچکترین اجزا را نیز دارد و اینجاست که نقش ادبیات رهایی بخش معنی می یابد، ادبیاتی که این وجوه افتراق را نه تنها بازتاب نمی دهد بلکه نمی پذیرد و نه تنها در قالب بسته ی مرزهای سرزمینی نمی اندیشد بلکهجهانی فکر می کند. انسانی که این ادبیات رهایی بخش در جهت معرفی آن قدم بر می دارد، انسانی است خالی از هرگونه برچسب قومیتی و فرهنگی خاص که مایه ی برتری باشد، این کاراکتر چه در داستان، چه در شعر و چه در نمایش نامه و امثالهم بیشتر از آن که با وجوه فرهنگی ، قومی و زبانی اش شناخته شود و مورد قضاوت قرار بگیرد، بر اساس وجوه انسانی اش مورد قضاوت و ارزیابی قرار می گیرد وجوهی که مشترک جامعه ی انسانی است و تاکید بر همین وجوه راه رهایی ادبیات از سقوط در این دره ی عظیم و ایفای نقش در مقام یک پیوند دهنده خواهد بود.

شعر

شعری از زبیده حسینی

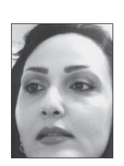

شرایط ، « ادامه « را به
تاکید بر حروفش وادار
کرده است
شرایط ، جنون را
، به مداومتِ ایزوله
وادار کرده است
نه تو می توانی خواستن را طور دیگر بنویسی
نه من می توانم , آن گونه با قدم ها بروم
که تقسیمِ روز آسان شود
شرایط ما را به شنیدن وادار کرده است
دچاریم به ناچاریِ گوش ها
ناچاریِ چشم ها
به ناچاریِ این تن که به رضایتِ ارقام دست
می برد در بطن
چهره عوض می کند
چهره ی چیزها را دچار نخوت دستی می کند
که باید به دهان برسد
به دهانِ برآمده از جهالتِ جیب ها
به تعویضِ سقف ها
و تعویضِ بستر دست می برد
اعتباراتِ اندک را
و مراجعهَ به آنسوی صورت ها را
در خیابانی منتهی به تن می پذیرد
پذیرفتنی ست آنچه از توهّمِ لبخند به اشیاء
خانه منتقل می شود ؟!
پذیرشی برابر با تمام شدن در لحظه ، مقابلم
ایستاده‌است
که بگوییم : موافقم !
این گونه می شود به مرگ لباس دیگری
پوشاند
و « به تدریج « را
به گردنبندِ تازه ات متّصل کرد
این گونه است روی دوپا ایستاده ایم

شعری از سیدجواد طباطبایی

بی تو.مهتاب شبی کوچه
تکراری را
رفتم و باز به یادت همه
اشعاری را
که‌شبانگاه
به نام تو سرودم خواندم
و در آن ظلمت شب پاکت سیگاری را
دود می کردم و با حلقه خاکستریش
می کشیدم شب و تنهایی و بیداری را
یادم آمد که شبی دست من و دستانت
رسم کردند چلیپای وفاداری را
آسمان محو غزلخوانی ما بود ولی
ابر و باد و مه و خورشید, ستمکاری را
سالها رفته ولی شاعر تنها هرشب
می رود تا ته آن کوچه تکراری را
شاید اینبار غزلگریه او باز شود
به سرانگشت غریبانهء مهتا...ری را...

ترجمه شعر

شاعر : ندی الحاج
ترجمه: محمد حمادی

از کتاب جامه های
عشقدر وطنم
در وطنم
آنجا که مردان در جشن عروسی شانه ی
سری آتشین به زنان هدیه می کنند
و به نوزادان شیشه شیری آتشین می دهند
در وطنم
مردان خانه هایشان را چون گنجشکان می
سازند
زیر گنبد کبود
بر فراز شاخه هایی که برای سوختن فراهم
آمدهدر وطنم
آنجا که مرگ ردای زندگی بر تن می کند
نفس ها در صبحگاهان شکار می شوند
مردان شیفته ی طعم خاک
و زنان طعم بوسه را از یاد می برند.
در وطنم
آن جا که مسیح گذشت
هواپیماها بر فراز بدن ها و ناله ها
و خون های طهارت بخش به سرزمین
قدیسان پرواز می کنند
در وطنم دستها از ترس جدایی
در هم گره می خورند
گرما را می جویند و
دیدار پروردگار را
در سفیدی چشمان
در خواب دلنشین
به دور از گناهان
به دور از انسان ها
در آغوش آسمان هفتم

گلشن مهر
۰۱۷۳۲۲۵۱۳۱۶